الزامات سیاستگذاری مقاومتی در حوزه سیاست صنعتی - تجاری

با تاکید بر حوزه تجارت

میثم نریمانی؛ کارشناس مرکز همکاریهای فناوری و نوآوری ریاست جمهوری m۱۳۸۵_narimani@yahoo.com

داریوش ابوحمزه؛ کارشناس مرکز همکاریهای فناوری و نوآوری ریاست جمهوریaboohamzzeh@gmail.com

چکیده

سیاست‌های صنعتی -تجاری برای اقتصادی مقاومتی باید از الگویی تبعیت کنند که از مبانی سیاسی و ایدئولوژیک نظام اقتصادی-سیاسی کشور تاثیر می پذیرند. در این مقاله برخی اصول سیاست‌های صنعتی-تجاری مطرح می‌گردند. برای این منظور ابتدا مروری به دو نگاه آدام اسمیت و فردریک لیست در سیاست‌های صنعتی-تجاری داشته و با بررسی شرایط و دلالت‌های سیاستی دو نگاه، اصولی مانند، ترکیب تجاری کشور، ایجاد انحصار برای کشور در مبادلات جهانی و ایجاد رقابت بین دیگر کشورها برای سیاست‌های صنعتی-تجاری پیشنهاد می گردند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، سیاست صنعتی-تجاری، لیست، اسمیت

مقدمه

یک اقتصاد مقاومتی نیازمند اتخاذ سیاست‌های تجاری-صنعتی خاص خود می باشد. این جمله حاوی دو نکته است. اولا همراهی سیاست صنعتی و سیاست تجاری و ثانیا لزوم اتخاذ سیاست.

گره خوردن سیاست تجاری و سیاست صنعتی از دو جهت مطرح می گردد. اولا بازار صنایع داخلی شامل دو بخش بازار داخلی و بازار خارجی می باشد. که تدوین سیاست برای حوزه صادرات بخشی از سیاست تجاری است. ثانیا بازار داخلی صنایع داخل، مورد توجه تولیدکنندگان خارجی نیز می باشد. در این رابطه سیاست‌های مربوط به واردات مطرح می گردند. لذا ارتباط بسیار قوی بین سیاست صنعتی و سیاست تجاری وجود دارد. این ارتباط به حدی است که حتی برخی اقتصاددانان سیاست صنعتی را همان سیاست تجاری دانسته اند.

حال هر اقتصادی با توجه به توانمندی ها و نیازهای داخلی خود و مبانی فرهنگی، سیاسی یا ایدئولوژیک نیاز به یک تولید و مصرف یک سری کالاها داشته و همچنین نیاز به تعامل در برخی حوزه های صنعتی با برخی کشورها دارد. جهت دهی صنعت و تجارت کشور با توجه به توانمندی ها، نیازها و مبانی آن نیازمند انتخاب توسط دولت است. این انتخاب که توسط ابزارهای سیاستی مختلف عملی شده و تحقق می یابد در ادبیات تحت عنوان سیاست صنعتی-تجاری بیان می شود.

مرور دو دیدگاه اسمیت و لیست

مبانی نظری رویکرد آدام اسمیت

آدام اسمیت[1] که به عنوان پدر علم اقتصاد شناسخته می شود عملاً دیدگاه های کلاسیک در اقتصاد با نظریات وی آغاز شد، دیگاه‌های خویش در حوزه اقتصاد را برپایه سه مبنای زیر بنا می نماید:

---

[1] ۱۷۲۳-۱۷۹۰

تقسیم کار

از دیدگاه آدام اسمیت که بعضا دیدگاه کلاسیک نیز نامیده می شود، افزایش رفاه در گروه تقسیم کار است. بدین معنی که آحاد اقتصادی بجای اینکه شخصاً به تأمین نیازهای اقتصادی خود بپردازند، بهتر است در فرایند تقسیم کار به نیازهای یکدیگر را تأمین نمایند. به عبارت بهتر هر کس کالاهایی که توانمندی بیشتری در تولید آنها دارد را تولید نموده و میزان مازاد بر نیاز خود را در ازای دریافت دیگر کالاها در اختیار دیگران قرار دهد. این ایده که بر وجود توانمندی‌ها و تخصص‌های آحاد اقتصادی مبتنی است، مبادله بین آحاد اقتصادی را ابزاری برای رسیدن به رفاه بیشتر می داند.

نظم خودجوش

اداره جامعه نیازمند وجود نظمی در سطح کلان آن است. روش رسیدن به این نظم از دیدگاه آدام اسمیت، دخالت دولت و اعمال حاکمیت نیست بلکه وی معتقد است این نظم بصورت خودجوش از تعاملات میان آحاد اقتصادی حاصل می گردد. به عبارت دیگر وی معتقد است، در صورتی که همه افراد جامعه در فضای رقابتی به دنبال بیشینه کردن منافع فردی خود باشند، منافع جامعه حاصل خواهد شد. به عبارت دیگر، منافع فردی افراد با منافع جامعه همراستا می باشد.

۳- آزادی مبادلات

آزادی مبادلات در رویکرد اسمیت از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به عبارت دیگر، وی رسیدن به کارایی را در گرو آزادی مبادلات بین آحاد اقتصادی می داند. این رویکرد هرگونه مداخله خارجی مانند مداخلات دولت را مردود می داند.

با توجه به مبانی فوق آدام اسمیت به دیدگاهی نظری می‌رسد که می توان آنرا در جمله زیر خلاصه نمود:

"نظام طبیعی و خودجوش مبادلات آزاد باعث می شود پیگیری منفعت طلبی توسط عوامل منفرد به حداکثرسازی منافع اجتماعی منجر شود."

طبیعتا این دیدگاه که شاید بتوان آنرا هسته رویکرد اقتصاد ارتدوکس دانست، به نتایج سیاستی خاصی منجر می‌گردد. در اینجا به سه رویکرد سیاستی منتج از مباحث فوق اشاره می گردد:

محوریت ساز و کار بازار: همانطور که پیشتر نیز ذکر شد، در رویکرد آدام اسمیت اصول تقسیم کار و آزادی مبادلات دارای محوریت می باشند. این امر منجر به محوریت ساز و کار بازار در اقتصاد می گردد. به عبارت دیگر، در ساز و کار بازار بدون هرگونه دخالت دولت و بر اساس سیگنال‌دهی قیمت، تخصیص منابع بصورت بهینه اتفاق افتاده و جامعه به حداکثر منافع خود می رسد.

تعرفه گذاری پایین: یکی از شقوق اصل تقسیم کار بین آحاد اقتصادی، تقسیم کار بین کشورهاست. بر این اساس، تقسیم کار بین‌المللی بر اساس مبادلات آزاد می تواند منجر به افزایش رفاه جوامع گردد. این امر در کنار اصل آزادی مبادلات منجر به توصیه سیاستی کاهش تعرفه ها می گردد. به عبارت دیگر در رویکرد اسمیت کشورها باید با کاهش تعرفه های تجاری زمینه را برای گسترش تجارت و در نتیجه افزایش رفاه جوامع فراهم آورند.

حداقل دخالت دولت: دلالت سیاستی دیگر رویکرد اسمیت، کاهش دخالت دولت است. از آنجاییکه هرگونه دخالت دولت در اقتصاد، آزادی مبادلات را از بین برده و مانع عملکرد ساز و کار بازار می گردد، اسمیت قائل به حداقل بودن دخالت دولت می باشد.

مبانی نظری رویکرد لیست

فردریک لیست[۲]، روزنامه نگار و استاد دانشگاه آلمانی قرن نوزدهم، دیدگاه‌های اقتصادی داشت که وی را جزء بنیان‌گذاران مکتب تاریخی اقتصاد قرار داد. نوع نگاه وی در تحلیل‌ها تفاوت‌هایی با نگاه آدام اسمیت دارد. برای مثال وی همراستایی منافع فردی و اجتماعی را در حالت طبیعی رد می‌کند. وی بیان می داردکه یک فرد صرفا منافع خود را بیشینه می نماید و ممکن است از ضربه زدن به منافع

---

[۲] ۱۷۸۹-۱۸۴۶

جامعه به منافع زیادی دست پیدا کند اما دولت باید به دنبال افزایش منافع کل جامعه باشد. برای مثال وی برده داری را یک معضل برای جامعه می داند درحالیکه ممکن است افرادی منافع زیادی در نگه-داری و تجارت بردگان داشته باشند.

قدرت ملی در بعد اقتصادی

یکی از بحث‌هایی که لیست مورد توجه قرار می دهد، قدرت ملی در بعد اقتصادی است. در واقع لیست یکی از اهداف اصلی در سیاست‌گذاری اقتصادی را قدرتمند شدن اقتصاد ملی دانسته و از این رهگذر در بسیاری حوزه ها ورود و دخالت دولت را تجویز می نماید. برای مثال توجیهات وی در باب توسعه حمل و نقل ریلی این دیدگاه وی را به خوبی نمایش می دهد. وی به این دلیل که راه آهن ابزاری برای توانمندی دفاع ملی و ابزاری برای توسعه فرهنگ ملی و... است از توسعه حمل و نقل ریلی در کشور دفاع می نماید. ملاحظه می شود که رویکرد وی با رویکرد تحلیلی فریدمن کاملا متفاوت است.

ادبیات قدرت ملی در ادبیات لیست تا جایی پیش می رود که وی، تمام نظریات آدام اسمیت و بطور کلی نظریات اقتصادی انگلستان آن زمان را در راستای اهداف ملی گرایانه خودشان می داند.

وظایف اقتصادی دولت

همانطور که ذکر شد، فریدمن قائل به عدم دخالت دولت در اقتصاد بود. لیست برخلاف فریدمن دخالت دولت در اقتصاد را به وضوح تجویز می نماید. البته دخالت از دید وی باید به اموری که بدون دخالت دولت قابلیت انجام را ندارند محدود شود. به عبارت دیگر وی رها کردن کارهایی که بدون دخالت و تحریک نیروی دولت انجام نمی شوند را مذموم دانسته و دخالت دولت در اموری که به خودی خود توسط بخش خصوصی انجام می شود را نیز توصیه نمی نماید. برای مثال اثرات خارجی مثبت سرمایه گذاری های خط شکن دولتی در حوزه های پیشرو است که فضای لازم برای بازی کارگزاران اقتصادی را در سطح خرد فراهم می کند.

با توجه به موارد فوق می توان دیدگاه نظری لیست را در جمله زیر خلاصه نمود:

"تکلیف دولت مبنی بر پاسداری از منافع آینده ملت توسط مدیریت استراتژیک فعال بسته به شرایط زمان و مکان"

جمله فوق در واقع منعکس کننده انتقادات جدی لیست به آزادی مبادلات در عرصه بین الملل و جهان شهر گرایی اسمیت است. زیرا وی معتقد است نظریات اسمیت که در آن طرفداری زیادی از سازو کار بازار در تعاملات بین المللی می شود، تناسب بسیاری با استعمار بریتانیا دارد. لذا با توجه به فضای بین-الملل که فضای به دور از صلح پایدار است، وی معتقد است که دولت باید نقش پروراندن صنعت و اقتصاد را به عهده بگیرد. از این منظر وی واحد تحلیل دولت ملی و لزوم فعالیت مناسب دولت جهت توسعه کشور را مطرح می کند. وی برای اثبات ادعای خویش در کتب خود، سیاست های اقتصادی قدرت های اقتصادی پیش از رسیدن به جایگاه ابرقدرتی سیاسی و اقتصادی را مطرح می کند:

«هر ملتی که از طریق محدودیت ها و عوارض حمایتی بر صنعت کشتیرانی، قدرت صنعتی و کشتیرانی خود را به درجه ای از توسعه افزایش بدهد به نحوی که هیچ ملت دیگری نتواند رقابت آزادی با او کند، نمی تواند خردمندانه تر از این عمل کند که نردبان ها را برای رقبایش واژگون و ملل دیگر را درباره منافع تجارت آزاد نصیحت کند و دراین باره که پیش از این مسیرهای خطا را می رفته و اکنون برای اولین بار حقیقت را کشف کرده، داد سخن سر دهد[۳]»

نتایج سیاستی

محوریت ساز و کار های انتخابی و سیاست صنعتی

با توجه به اعتقاد لیست مبنی بر مدیریت استراتژیک فعال دولت وابسته به شرایط زمانی و مکانی، سازوکارهای انتخابی و در نتیجه سیاست صنعتی(به معنای دخالت دولت) به عنوان یک توصیه سیاسی از نظرات لیست قابل برداشت است.

حمایت از صنایع نوزاد

---

[۳] لیست ۱۸۸۵ صفحه ۳۹

لیست که به پدر مبحث صنایع نوپا معروف است، معتقد است، در حضور کشورهای توسعه یافته‌تر، کشورهای عقب مانده نمی توانند صنایع جدید را بدون دخالت دولت، به ویژه حمایت تعرفه ای، گسترش دهند. وی برای تایید ادعای خود در کتاب «نظام ملی اقتصاد سیاسی»عنوان می کند که "سرمداران انگلستان دریافتند که صنایع بومی جدیدالتاسیس آنها هرگز نمی تواند در شرایط رقابت آزاد با صنایع قدیمی و پرسابقه خارجی ها(ایتالیا، بلژیک، هلند و...) به پیروزی امیدوار باشد. بنابراین مجموعه ای از محدودیت ها، تسهیلات و مشوق ها را پیگیری کردند."

دیگر توصیه سیاستی لیست حمایت دولت از صنایع نوزاد است. البته این توصیه مشروط به این است که اولاً هدف از حمایت، پرورش بنیه صنعتی باشد. ثانیا در صورتی حمایت توصیه می شود، که مشکل اصلی صنعت عقب ماندگی نسبی از کشورهای صنعتی باشد و صنعت مسیر رشد بوده و صرفا نیاز به حمایتی موقتی برای رسیدن به کشورهای صنعتی داشته باشد. لذا اگر مشکلات ریشه در مسائل مدیریتی درونی داشته باشد، حمایتی توصیه نمی شود. ثالثاً حمایت از صنایع نوزاد، صرفا تا مرحله رشد باید باشد. این امر به وضوح حمایت از صنایع را بصورت کوتاه مدت می رساند. به عبارت دیگر، پس از بلوغ صنایع و کسب توانایی های لازم برای رقابت در بازارهای جهانی می توان سیاست های حمایتی تعرفه ای را به تدریج در مورد آن ها کنار گذاشت.در انتها لیست تاکید می کند که حمایت نباید شامل کشاورزی باشد زیرا معتقد است تجارت آزاد در حوزه کشاورزی به نفع کشورهای کمتر توسعه یافته است که در آنها بخش کشاورزی به بلوغ و توانمندی صادرات رسیده است.

تجارت آزاد میان کشورهای با سطوح مشابهی از توسعه صنعتی

لیست وجود تجارت آزاد بین کشورهای با سطوح متفاوت توسعه صنعتی را رد می نماید زیرا این امر موجب نابودی صنعت کشور کمتر توسعه یافته می شود. لذا وی معتقد است در مقابل کشورهای توسعه یافته باید از صنایع داخلی حمایت کرد اما می توان با کشورهای هم سطح تجارت آزاد برقرار نمود.

مقایسه دو رویکرد نظری

در مقایسه دو رویکرد از لحاظ ابعاد نظری می توان دیدگاه های اسمیت را دیدگاهی دانست که با قراردادن فرد و بنگاه بهعنوان واحد تحلیل، نگاهی مثبت به نظم طبیعی و خودجوش بازار داشته و جهان را مجموعه ای از اقتصادهای با تعامل عادلانه و به دور از روابط سلطه طلبانه می داند. از دید وی هدف از سیاستگذاری اقتصادی افزایش ثروت ملی است و برای رسیدن به این هدف، مداخلات دولت باید کاهش یافته و حداکثر تجارت و همکاری با دیگر اقتصادها باید دنبال شود که این امر نیز حداقل سازی تعرفه های بازرگانی را ایجاب می نماید.

اما در طرف دیگر در رویکرد لیست دیدگاه هایی متفاوت به چشم می خورد که در آن ملت و کشور و در واقع اقتصاد ملی به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته می شود و در نگاه های وی نوعی بدبینی به نظم طبیعی و خودجوش بازار به چشم می خورد.

وی با تاثیرپذیری از شرایط جهانی زمان خود و موقعیت کشورش در عرصه بین الملل دنیا را عرصه تنازع اقتصادهای ملل می داند و برای همین منظور مداخلات دولتی را به منظور رسیدن به استقلال اقتصادی و داشتن صنایع قوی توصیه می نماید. که این نیز در بستر حمایت های انتخابی و البته مدت دار دولت از صنعت امکان پذیر است.

	آدام اسمیت	فردریک لیست
موضع هنجاری در خصوص بنیادهای اقتصادی	خوش‌بینی به نظم طبیعی	بدبینی به نظم طبیعی
واحد تحلیل	فرد و بنگاه	ملت و کشور
فروض مربوط به ساختار نظام بین‌الملل	جهان شهرگرایی و فقدان جنگ	تنازع واحدهای ملی
هدف سیاستگذاری	افزایش ثروت ملی	افزایش قدرت ملی

		آدام اسمیت	فردریک لیست
دلالت‌های سیاستی	نقش دولت	مداخله حداقل دولت	مدیریت استراتژیک دولتی
	تجارت خارجی	وابستگی و تقسیم‌کار همکارانه	استقلال و صنعت‌طلبی رقیبانه
	تعرفه بازرگانی	حداقل و نزولی	انتخابی و حمایت مدت‌دار
وقایع مؤثر		مستعمره‌داری وسیع بریتانیا	عقب‌ماندگی صنعتی آلمان

جدول ۱: مقایسه دو رویکرد نظری

مقایسه شرایط اقتصادی-تاریخی دو نظریه پرداز فوق

در این بخش سعی بر آن است تا به اختصار شرایط اقتصادی-تاریخی دو نظریه پرداز فوق و تاثیر آن بر دیدگاه های اقتصادی آنها بررسی گردد.

الف) ساختار اقتصادی

ساختار اقتصادی آلمان در اوایل قرن نوزدهم بیشتر مبتنی بر کشاورزی بوده و هنوز مراحل صنعتی شدن طی نشده بود. این در شرایطی است که آلمان پس از جنگ برای توسعه و پیشرفت خود نیازمند صنعتی شدن و گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی بود. در مقابل انگلستان در دوره

اسمیت(اواخر قرن هجدهم) انقلاب صنعتی را پشت سر گذاشته و لذا پایه های یک اقتصاد صنعتی را دارا بود. لذا به دنبال گسترش و توسعه صنعت خود بود.

ب) ساختار سیاسی

در این دوره آلمان کشوری تجزیه شده بود که فاقد حکومتی مقتدر بود. لذا توصیه های سیاستی به انگیزه افزایش اقتدار ملی طبیعی به نظر می رسد. در مقابل انگلستان دوره اسمیت حکومتی معتدر در عرصه های بین المللی است که از مستعمرات متعددی بهره می برد.

ج) مشکلات و مسائل

در شرایط اقتصادی سیاسی ذکر شده، آلمان در معرض هجوم کالاهای انگلیسی پس از جنگ ناپلئون است که شدیدا در صدد حمایت از بازار داخل خویش در مقابل صنایع انگلیسی بر می آید. در مقابل انگلستان که در حال توسعه صنایع خود است، شدیدا نیاز به بازارهای جدید و گسترده دارد. برای همین منظور انگلستان آن زمان از تجارت آزاد حمایت می نماید. البته کالاهای کشاورزی از این امر مستثنا هستند.

با توجه به مطالب فوق می توان به وضوح اثر وضعیت سیاسی- اقتصادی دوکشور را بر روی توصیه های سیاستی این دو متفکر ملاحظه کرد. بطوریکه لیست به دنبال حمایت از صنایع داخلی به منظور توانمند ساختن اقتصاد آلمان است و اسمیت به دنبال گسترش تجارت جهت توسعه بازار صنایع داخلی انگلستان است.

	آلمان دوره لیست (اوایل قرن نوزدهم)	انگلستان دوره اسمیت (اواخر قرن هجدهم)

ساختار اقتصادی	مبتنی بر اقتصاد کشاورزی، بهره مند از صنایع مورد نیاز برای جنگ و گرفتاری در ادامه کار	وقوع انقلاب صنعتی و بهره مندی از پایه های صنعتی
ساختار سیاسی	تجزیه شده و فقدان حکومت مقتدر	قدرت مرکزی نیرومند و مستعمرات وسیع
تعرفه ها	تعرفه در مبادلات داخلی و آزادی در مبادلات خارجی	حمایت از تجارت آزاد جز در خصوص کشاورزی
مشکلات و مسایل	در معرض هجوم کالاهای انگلیسی پس از جنگ ناپلئون	نیازمند نیروی کار و بازار فروش

جدول ۲: مقایسه وضعیت تاریخی دو رویکرد

نتایج برای اقتصاد مقاومتی

با توجه مباحث مطرح شده فوق در رابطه با نظریات لیست و فریدمن و شرایط تاریخی آنها می توان دو نتیجه کلی برای طراحی اقتصاد مقاومتی گرفت. در ادامه با استفاده از این دو نتیجه، چند اصل برای سیاست‌های صنعتی-تجاری ارائه خواهد شد.

اقتصاد وسیله ای برای اقتدار

همانطور که لیست صراحتاً در نظریات خود به اهمیت اقدار ملی اشاره می کند و در نظریات اسمیت نیز بطور غیرمستقیم این مفهوم به چشم می خورد، اقتصاد را نه هدف بلکه باید ابزاری برای رسیدن به اقتدارملی دانست. با این رویکرد تنها آن دسته از سیاست های اقتصادی پذیرفته است که منجر به افزایش اقتدار ملی گردند. به عبارت دیگر اگر سیاستهایی مانند پیوستن به زنجیره ارزش جهانی به گونه ای که موجب افزایش وابستگی اقتصادی گردد، در این رویکرد مردود است.

نیازمندی به طراحی مدلهای بومی

همانطور که پیشتر اشاره شد، سیاستهای توصیه شده توسط لیست و فریدمن، هردو ناظر به شرایط سیاسی-اقتصادی آن دوره هر کشور بوده است. لذا می توان نتیجه گرفت که سیاستهای صنعتی-تجاری و بصوتر کلی سیاستهای اقتصادی باید با توجه به وضعیت و توانمندی های اقتصادی و جایگاه اقتصاد در عرصه بین الملل باشد. برای مثال، حمایت از صنایع نوپا، توسعه تکنولوژی های نوین، سیاست های تعرفه ای برای صنایع قدیمی و جدید و روابط تجاری همگی باید ناظر به وضعیت اقتصاد باشند.

طراحی اقتصادی مبتنی بر توانمندسازی تولید داخل و نفی وابستگی

طراحی ساز و کارها و سیاست های صنعتی-تجاری باید در راستای توانمندسازی تولید داخلی و نفی وابستگی باشد. همچنان که لیست نیز در کتاب "نظام طبیعی اقتصاد سیاسی" خود به سست بودن استقلال ملی بدون رشد صنایع ملی اشاره کرده است.

اقتصادی و سیاست های اقتصادی نظریه اقتصاد ملی به ما می آموزد، هر کشوری که بالاترین درجه استقلال و بالاترین سطح فرهنگ و رونق اقتصادی را می خواهد، باید به هر کاری که می تواند دست بزند تا از امنیت اقتصادی خود در برابر حمله خارجی دفاع کند ... پایه های بنای استقلال ملی بدون رشد صنایع ملی بسیار سست خواهد بود.(نظام طبیعی اقتصاد سیاسی، ص۵۳)

چند اصل سیاستی

در این بخش چند اصل برای سیاست‌های صنعتی-تجاری اقتصاد مقاومتی ارائه می شود. این اصول که بیشتر متمرکز در تجارت خارجی کشور هستند را می توان به دو دسته سیاست های ناظر به کشور طرف تعامل و سیاست‌های ناظر به محصولات مورد تبادل تقسیم نمود.

کشورهای طرف معامله

توسعه روابط با کشورهای منطقه

برای اینکه اقتصاد یک کشور مقاومتی گردد، و تهدید پذیری آن در عرصه جهانی کاهش یابد، توسعه روابط با کشورهای منطقه مفید است. زیرا کشورهایی که از لحاظ جغرافیایی نزدیک باشند، دارای منافع مشترکی هستند که توسعه روابط تجاری این منافع مشترک را افزایش داده و موجب ثبات وضعیت منطقه ای کشور می گردد.

توسعه روابط با کشورهای دارای سیاست خارجی و مبانی ایدئولوژیک مشابه

به وضوح توسعه روابط با کشورهایی که از لحاظ مبانی ایدئولوژیک یا سیاست خارجی به ما نزدیک هستند، به نفع ما می باشد. زیرا کشورهایی که دارای هیچ یک از این دو ویژگی نباشند، به راحتی در اثر مسائل اعتقادی یا سیاسی، به کشور ضربه خواهند زد.

ایجاد رقابت در طرف مقابل

یکی از اصول دیگر، ایجاد رقابت در طرف مقابل است. بدین معنی که در حد امکان از خرید/فروش کالا از/ به یک کشور خودداری کرده و تبادلات تجاری را با کشورهای مختلف انجام دهیم. برای مثال اگر نفت را فقط به کشوری مثل چین صادر کنیم، اولاً قدرت چانه زنی برای چین بالا می رود و ثانیاً به راحتی تمام صادرات نفت کشور قابل تهدید خواهد بود. بطور مشابه اگر تمام بنزین وارداتی خود را از یک کشور انحصاری تأمین نماییم، امکان تهدید کشور از مسیر تحریم بنزین بالا می رود.

ایجاد انحصار در طرف خودمان

بر خلاف اصل پیشین اگر بتوانیم در عرصه بین‌المللی چه در واردات و چه در صادرات انحصار داشته باشیم، وابستگی دیگر کشورها به ما افزایش یافته و لذا تهدیدپذیری ما کاهش می یابد.

محصولات مورد مبادله

تکمیل زنجیره های ارزش

در حوزه محصولات مورد مبادله، یک اصل کلی، تکمیل زنجیره های ارزش محصولات در داخلی است. این اصل افزایش اشتغال، افزایش توانمندی تولید داخل و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

تولید داخلی کالاهای استراتژیک

اصل دیگر در این بخش، تولید کالاهای استراتژیک است. به عبارت دیگر کالاهای ضروری کشور که در صورت تحریم آنها، صدمه بیشتری به کشور وارد می شود، باید تولید داخلی شوند.

نتیجه گیری

در این مقاله ابتدا دو رویکرد نظری در سیاست صنعتی تجاری بررسی شد. در نگاه ادام اسمیت سازوکار بازار و عدم دخالت دولت مطرح شد. در این نگاه روابط تجاری بین کشورها باید به سهولت و با حداقل موانع شکل گیرد تا منافع همه کشورها حاصل شود. در نگاه مقابل که نگاه مکتب تاریخی و بطور خاص نگاه فردریک لیست است، رویکردهایی کاملا متفاوت با رویکرد اسمیت مطرح می شود. در این رویکرد، خوشبینی به سازوکار بازار و نظم طبیعی رد شده و دخالت مستقیم دولت برای توسعه صنعت مطرح می شود. در این رویکرد که هدف اصلی توانمندی اقتصاد ملی است، دولت موظف است حمایت هایی هدفمند و موقت را از صنایع نوپا به عمل رساند تا آنها برای رقابت بین‌المللی آماده گردند. پس از مرور این دو دیدگاه دو نتیجه اصلی برای اقتصاد مقاومتی مطرح شد که عبارتند از وسیله بودن اقتصاد برای اقتدار کشور و نیازمندی به طراحی مدل‌های بومی. سپس چند اصل سیاستی برای صنعت وتجارت مطرح گردید. این اصول ناظر به منطق برقراری روابط تجاری با کشورهای منطقه و منطق تولید و صادرات کالاها و خدمات در اقتصاد هستند.

مراجع

تاریخ عقاید اقتصادی، شارل ژید و شارل ریست؛ ترجمه کریم سنجابی، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.

نظام طبیعی اقتصاد سیاسی، فردریک لیست، ش ۱۸۳۷.

دولت توسعه گرا، گروه مدیریت و اقتصاد مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸.